



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۰ اردیبهشت ۱۳۹۹

نوجوانان

گفت و گو با سعید شهبازی  
سردبیر برنامه تلویزیونی «کلنجار»

# خیلی با نوجوانان‌ها رفتیم!

۶۶

من خیلی خیلی مطالعه کردم تا بتوانم شناخت بهتری نسبت به نوجوانان

به خصوص نوجوانان‌های دهه هشتادی پیدا کنم و تازه اون موقع بود که دیدم وای، چقدر کم اون‌ها رو می‌شناسم. نه تنها من، بلکه به طور حتم و قاطعانه می‌گم مادر و پدرها هم نوجوانان‌ها رو نمی‌شناسن

ازشون دریغ می‌کنیم ولی به شدت بهش نیاز دارن و اگر فرصتی در اختیارشون بذاریم به بهترین شکل ممکن ازش استفاده می‌کنن.

و اگر بخوابن به دغدغه ذهنی این نسل رو بگیرن؟

«دیده شدن». البته نه به معنای شهرت؛ که اون هم براشون چیز جذابییه. ولی من منظورم اینه که دوست دارن درک بشن، توانایی‌هاشون دیده بشه و بهشون اعتماد بشه. انگار ما منتظریم فرد وارد دوران نوجوانی بشه تا کاملاً اون رو فراموش کنیم.

حرف ناگفته‌ای هم مونده که ما ازتون نپرسیدیم؟

من الان کاری رو در زمینه دفاع مقدس شروع کردم و بالطبع مجبور شدم مطالعه‌ام رو در این زمینه بالا ببرم. ما ۳۶ هزار شهید دانش‌آموز داریم که ۹۰ درصد در فاصله سنی ۱۳ تا ۱۸ سال بودن. نمی‌دونم چرا کار جدی در مورد این شهدا نساختم. ولی حرفم اینه که خیلی از اینها کودکی و دوران شکل‌گیری شخصیتشون در دوران قبل انقلاب بوده که اصلاً شرایط مطلوبی نبود. حالا چطور به عده نگران آینده این نسل هستن که تربیت شده دوران پس از انقلاب هستن، نمی‌دونم.

من می‌گم باید باور داشته باشیم که این نسل هم اگر پاش بیفته از همه چی‌شون برای این کشور و اعتقاداتمون مایه می‌دارن.

شاید براتون جالب باشه که نوجوانان‌ها تا به ربع قبل از شروع ضبط، از موضوع برنامه خبر نداشتن. چون می‌خواستیم خود واقعی‌شون رو بروز بدن و نرن سراغ حرف‌های کلیشه‌ای یا مطالعه‌ای در این مورد داشته باشن. خیلی هم منو دعوا می‌کردن که آقا ما نمی‌دونیم چی بگیریم و نکته حرف خوبی نزنیم. ولی من اصرار داشتم که یکهو با موضوع روبه‌رو بشن و حرف ته دلشون رو بگن.

سعید شهبازی بعد از کلنجار چه فرقی کرد؟

خب من معلمی کرده بودم و در زمینه‌های درسی مشاوره هم به نوجوانان‌ها و دانش‌آموزان می‌دادم. ولی این اولین بار بود که در مورد این موضوعات خاص و مسائل فردی و اجتماعی نوجوانان‌ها باهاشون بحث می‌کردم.

از طرفی من برنامه‌های زیادی رو برای نوجوانان‌ها اجرا کرده بودم ولی کلنجار از این لحاظ هم برام تفاوت اساسی داشت. من خیلی خیلی مطالعه کردم تا بتونم شناخت بهتری نسبت به نوجوانان‌ها به خصوص نوجوانان‌های دهه هشتادی پیدا کنم و تازه اون موقع بود که دیدم وای، چقدر کم اون‌ها رو می‌شناسم. نه تنها من، بلکه به طور حتم و قاطعانه می‌گم مادر و پدرها هم نوجوانان‌ها رو نمی‌شناسن.

مثلاً چه شناختی نسبت به ما نوجوانان پیدا کردین؟

بعد از کلنجار می‌تونم ادعا کنم به درک بالاتری از شماها رسیدم. اگر بخوام از صفت مهم و مشترک بین نوجوانان‌های این نسل بگم، «شور و شوق» و «هیجان» است. چیزی که خیلی اوقات

یعنی حرف نوجوانان‌ها سانسور نمی‌شد؟

اگر صد درصد کار دست من بود شاید همین ۱۰ درصدی هم که مجبور به حذف شدیم، انجام نمی‌شد. ولی این میزان واقعاً جوری نبود که کسی از خود بچه‌ها احساس کنه حرفش رو نزده و اصولاً همه شرکت‌کننده‌ها راضی بودن.

مثلاً یکی از بچه‌های باحال جنوب شهری که مهمان برنامه بود، با همان زبان کوچیک و بازاری خودش حرف می‌زد و مثلاً می‌گفت: «خب نه باباها باید ما رو بفهمن!» و خب خود بچه‌ها فکر می‌کردن من مجبورم حرفش رو قطع کنم یا توی تدوین دربیاریم ولی این کارو نکردیم.

این نوجوانان‌هایی که می‌گین کیا بودن؟

شاید مهم‌ترین بخش ماجرای کلنجار همین بود که ما هم سفت و سخت پای اون وایسادیم. این که اولاً برنامه نیاز به کارشناس نداره. دوم این که سعی کنیم هر نوجوانی رو با هر عقیده و فکری بیاریم داخل برنامه. من به یاد ندارم حتی به یک نفر گفته باشیم تو حق نداری بیای داخل برنامه.

البته حدوداً ۵۰ نفر از این نوجوانان‌ها بیشتر از بقیه پای کار بودن و همون طور که گفتم خودجوش کنار برنامه بودن و کمک‌مون می‌کردن. ولی تقریباً ۳۰ نفر در طول برنامه مهمان ما شدن.

نقش شما چی بود؟

خب من علاوه بر سردبیری برنامه نقش تسهیلگر رو ایفا می‌کردم. نمی‌گم مجری، چون حقیقتاً من اجرا نمی‌کردم و اساساً بنا نداشتم بحث و گفت‌وگوی بین بچه‌ها رو قطع کنم. فرم برنامه رو اینجوری تعیین کرده بودیم که من فقط کمک کنم به سیر بحث.

گفت و گو:  
امیرحسین  
علی نیافر



با تشکر از فاطمه رحیمی

«کلنجار» از کجا شروع شد؟

طرح اولیه ساخت برنامه کلنجار در شبکه امید از خیلی وقت پیش وجود داشت و قرار بود با مشارکت ستاد مبارزه با مواد مخدر، به برنامه گفت‌وگو محور با حضور خود نوجوانان‌ها شکل بگیره. اما وقتی این ایده به دست ما رسید تصمیم گرفتیم پیش از ورود به بحث تخصصی درباره اعتیاد، در مرحله اول در مورد دغدغه‌ها و مسائل نوجوانان به طور عام بپردازیم و بعد بریم سراغ اعتیاد. واقعیت هم اینه که خیلی از این دغدغه‌ها و مشکلات دلیل اصلی رواج اعتیاد بین نوجوانان‌ها هستن.

اما درباره فرم برنامه اول رفتیم سراغ آرشو صدا و سیما. تقریباً درباره نوجوانان‌ها به جز چند مورد که اغلب مربوط به دهه ۷۰ بود هیچی پیدا نکردیم. نهایتاً به گفت‌وگو با خود نوجوانان‌ها اون هم در فضای آزاد رسیدیم.

هدف اصلی برنامه چی بود؟

دو تا هدف داشتیم. اول این که نوجوانان‌ها رو ترغیب کنیم به بحث کردن در مورد مسائل خودشون؛ یعنی به نوعی خود نوجوانان‌ها رو تبدیل کنیم به یک شبکه فعال که در ارتباط با یکدیگر باشن و تیمی شکل بگیره به نام کلنجاری‌ها که این هدف خیلی زود شکل گرفت و بعضی از بچه‌ها با دغدغه‌مندی خودشون فعالیت می‌کردن و شروع کردن به تولید محتوای فراتر از برنامه در فضای مجازی. نوجوانان‌های پیگیری که حتی گاهی بدون این که داخل برنامه شرکت کنن، در پشت صحنه فعالیت داشتن.

هدف دوم هم پرداختن به موضوعات و مسائل مهم حوزه نوجوان به ویژه اعتیاد بود که در این مورد هم فکر می‌کنم بحث‌های خوبی انجام شد.

۶۶

مهم‌ترین بخش

ماجرای کلنجار

همین بود که

ما هم سفت و

سخت پای اون

وایسادیم. این که

اولاً برنامه نیاز به

کارشناس نداره.

دوم این که سعی

کنیم هر نوجوانی

رو با هر عقیده

و فکری بیاریم

داخل برنامه.

من به یاد ندارم

حتی به یک نفر

گفته باشیم تو

حق نداری بیای

داخل برنامه

